

Unit 19 book5

بر این اساس

اگر کسی بر این اساس عمل کند، آنها به گونه ای عمل می کنند که مناسب است.
او احساس می کند که او کار خوبی انجام داد، و بر این اساس رئیس او باید به او پول بپردازد.

لنگر

لنگر یک جسم سنگین است که از یک قایق آویزان است تا آن را در یک مکان ثابت نگه دارد.
زمانی که کشتی به مقصد خود رسید، خدمه لنگر را انداخت.

رهنمای شناور

رهنمای شناور یک علامت شناور است که به قایقان در مورد مناطق خطرناک هشدار میدهد.
قایق را در نزدیکی آن رهنمای شناور هدایت نکنید. سنگهایی زیر آب وجود دارد.

فاجعه

یک فاجعه یک رویداد غیر منتظره است که باعث درد و رنج شدید می شود.
این یک فاجعه برای خانواده من بود، زمانی که پدرم کار خود را از دست داد.

متن

متن شرایطی است که پس زمینه یک رویداد را تشکیل می دهند.
آنها قبل از ارائه خود، متن نبرد را مطالعه کردند.

تعیین کردن

تعیین کسی یا چیزی به معنی دادن یک توصیف خاص به آنهاست.
فانوس معروف یک بنای تاریخی تعیین شد.

تحریف کردن

تحریف چیزی به معنای دروغ در مورد آن است.
وکیل او حقایق را تحریف کرد تا بتواند آزاد شود.

اسکله

یک اسکله یک منطقه محصور است که در آن کشتی ها بارگیری، تخلیه و تعمیر می شوند.
کشتی بزرگ به اسکله کشیده شد و خدمه محموله را تخلیه کرد.

جلو

جلوی چیزی قسمت جلویی آن است.
میز معلم در جلوی کلاس درس است.

زود زود

اگر چیزی مکرر باشد، آن اتفاق می افتد یا اغلب انجام می شود.
در حالی که پدر بیمار بود، دکتر بازدید های مکرر را به خانه اش انجام داد.

اصل

هنگامی که چیزی اصل است، درست یا واقعی است.

پس از اینکه نقاشی تعیین شد که واقعی بود، آن برای به قیمت یک میلیون دلار فروخته شد.

گریس

گریس یک ماده روغنی است که در قسمت های متحرک قرار می گیرد، به طوری که آنها هماهنگ کار می کنند. هنگامی که من کار بر روی ماشین انجام دادم، من روی تمام دستانم چرب داشتم.

پیچیده

هنگامی که چیزی پیچیده است، دارای بسیاری از قطعات کوچک یا جزئیات است. نقاشی پیچیده روی لحاف بسیار دوست داشتنی بود.

خنثی کردن

به منظور جبران ابزار برای استفاده از یک چیز برای لغو اثر چیز دیگری است. افزایش دستمزد با افزایش قیمت کالاها جبران می شود.

همدستی کردن

همپوشانی چیزی به معنای پوشش یک قطعه از آن است. هدیه بلایی روی هدیه پایینی قرار گرفت.

تسریع کردن

تسریع کردن به این معنی است که باعث می شود آن زودتر از حد طبیعی اتفاق بیافتد. حمله خشونت آمیز یک جنگ تمام عیار را تشدید کرد.

دست دوم

هنگامی که چیزی دست دوم است، آن را متعلق به شخص دیگری بوده است. شلوار جین دست دوم او کمی در جلو رنگ رفته بود.

شکاف

یک شکاف یک باز شدگی باریک در یک ماشین یا ظرف است. برای کارکردن دستگاه، سکه های خود را به شکاف بگذارید.

غوطه ور ساختن

غوطه ور ساختن چیزی به این معنی است که آن را زیر سطح مایع قرار دهید. نهنگ بدن بزرگ خود را به اقیانوس غوطه ور کرد.

تاکتیک

یک تاکتیک یک برنامه دقیق برای رسیدن به چیزی است. سام از یک تاکتیک خوب به منظور جذب کسب و کار بیشتر فکر کرد.

غرور جین

جین و پدرش، مایک، دارای یک قایق دست دوم بود. آنها آن را "امید بالا" نامیده اند. آن دو نفر دوست داشتند وقتشان را با هم در اقیانوس صرف کنند و اغلب به سفرهای ماهیگیری طولانی کنند.

مایک جین را آموزش داد که چگونه وظایف مهم را انجام دهد. جین یاد گرفت که چگونه قایق را هدایت کند و بادبان ها را تنظیم کند. او آموخت که چگونه گریس را روی چرخ دنده های پیچیده موتور قرار دهد. او آموخت که چگونه لنگر را بیندازد و آن را با قرار دادن طناب در یک شکاف محافظت کند. جین دوست داشت به پدرش کمک کند، اما او فکر کرد که او

در آن بسیار خوب نیست. گاهی اوقات او مراحل مهمی را حذف میکرد و اشتباهات مکرری را انجام میداد. جین فکر کرد که او قادر به کارهای فیزیکی نیست.

مایک می خواست به او ثابت کند که او واقعا توانا و مهم بود. او از یک تاکتیک برای تست مهارت های جین در زمینه فاجعه فکر کرد. او تحت عرشه پنهان شده و وانمود کرد که به دام افتاده است. او فریاد زد: "جین، من نمی توانم بیرون بروم! شما باید به اسکله بازگردید و کمک پیدا کنید!"

جین شروع به وحشت کرد. او فکر کرد که او ممکن است اشتباهات معمول خود را ایجاد کند، که یک فاجعه را تشدید می کند. با این حال، او مجبور بود به پدرش گوش دهد و به همین ترتیب عمل کند. او با تمام توانایی هایش لنگر را کشیده بود. او به یاد آورد که بادبان را به هم متصل کند تا بادبان ها را روی هم قرار دهد و اثر باد را خنثی کند. او قایق را در اطراف جسم شناور هدایت کرد که در آن آب کم عمق بود. وقتی آنها به ساحل رفتند، مایک از زیر عرشه بیرون آمد.

جین گفت: "من فکر کردم شما به دام افتاده اید!"

مایک خندید او گفت: "این یک اورژانس واقعی نبود. من حقیقت را تحریف کردم تا توانایی های شما را آزمایش کنم. نگاه کن به کار عالی که انجام داده ای و توانستی قایق را امن به خانه بازگردانی، من میدانستم که تو میتوانی این کار را انجام دهی."

مایک تصمیم گرفت تا قایق خود را تغییر نام دهد. او آن را "غرور جین" نامگذاری کرد و نام را در جلوی کشتی نقاشی کرد. جین در نهایت چیزیرا که به آن افتخار کند داشت.